

مقاله پژوهشی

سیاست قدرت هوشمند روسیه در سوریه،

با تأکید بر مقابله با آمریکا ۲۰۲۳-۲۰۱۱

احسان جعفری فر^۱، حبیب الله ابوالحسن شیرازی^۲، ارسلان قربانی

شیخ نشین^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

چکیده: بحران سوریه از نظر تعدد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و وجود منافع متعارض در آن از پیچیده‌ترین بحران‌های بین‌المللی است. روسیه و آمریکا از بازیگران فرامنطقه‌ای در این بحران می‌باشند که با رویکردهای متعارض و منافع متضاد به دنبال نفوذ بیشتر در منطقه غرب آسیا از طریق مداخله در بحران سوریه هستند. در همین راستا، دو کشور با سیاست‌ها و راهبردهای سخت و نرم به دنبال بهره‌برداری از این بحران هستند. منافع متعارض دو بازیگر باعث شده است تا با در نظر گرفتن منابع و هزینه و فایده بکوشند بیشترین سود را از آن خود سازند. در این مقاله، تلاش خواهد شد تا به ترکیب راهبردی و هوشمندانه قدرت نرم و سخت روسیه در برابر آمریکا با محوریت بحران سوریه پرداخته شود. سؤال اصلی این است که چگونه روسیه در بحران سوریه از قدرت هوشمند در برابر مداخله آمریکا (۲۰۲۳-۲۰۱۱) استفاده کرده است؟ برای بررسی موضوع در چارچوب دیدگاه قدرت هوشمند از منظر جوزف نای به قدرت نرم روسیه در ابعاد فرهنگ، ارزش و سیاست خارجی و قدرت سخت در بعد نظامی و اقتصادی پرداخته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در میدان سوریه قدرت هوشمند روسیه با تأکید بیشتر بر قدرت نرم برای مهار آمریکا به کار گرفته شده است و مهم‌ترین دستاورد روسیه از به کارگیری قدرت هوشمند، بدون درگیر شدن جدی نظامی با آمریکا، حفظ رژیم بشار اسد، جلوگیری از اقدام نظامی گسترده آمریکا علیه سوریه، به دست گرفتن ابتکار مذاکرات صلح و کسب برتری استراتژیک با بستن قراردادهای نظامی و اقتصادی بوده است.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، قدرت هوشمند، قدرت نرم، قدرت سخت، روسیه، آمریکا

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: habib_shirazi@yahoo.com

۳. استاد دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

از سال ۲۰۱۱ به بعد، منطقه غرب آسیا شاهد تغییر و تحول در نظام‌های سیاسی بوده است. این تحولات در تونس، مصر، لیبی و یمن آغاز و به کشورهای بحرین و سوریه نیز کشیده شد. در سوریه تظاهرات گسترده همراه با خشونت دولت برای سرکوب آن‌ها به بروز درگیری‌های نظامی و جنگ داخلی تبدیل شد. به طوری که در ژانویه ۲۰۱۲ ائتلافی شکننده از معارضان سوری و اغلب سنی در برابر نیروهای مسلح سوریه به رهبری بشار اسد، شکل گرفت. این گروه‌ها در سوریه تشکیل شدند و به طور مستقیم و غیرمستقیم از حمایت مالی عربستان و قطر نیز بهره‌مند شدند. درگیری‌های نظامی و تنش داخلی در سال ۲۰۱۵ به اوج خود رسید و دولت بشار اسد را تا آستانه سرنگونی پیش برد اما کمک نیروهای خارجی چون ایران و روسیه سرنوشت جنگ داخلی را دگرگون ساخت؛ به این ترتیب بشار اسد توانست از سرنگونی نجات یابد و رفته‌رفته بر اوضاع سوریه نیز مسلط شود. با این حال باید در نظر گرفت که در این بحران کشورهای حامی او چون روسیه، از راهبردهای متعددی در جهت حفظ بشار اسد، تقویت حضور و نفوذ خود و کسب منافع ملی بهره برده‌اند.

کاربرد این راهبردها نیازمند توجه به چند نکته است؛ نخست آن‌که غرب و در رأس آن آمریکا از ابزارهای سخت و نرم در تقویت اعتراض‌ها و تغییر رژیم‌های عربی استفاده کرده‌اند؛ در واقع آن‌ها حامی جریان اعتراضی بودند که به روی کار آمدن دولت غرب‌گرا یا الگو بردار از نظام‌های غربی منجر شود. دوم آن‌که خود غرب و در رأس آن آمریکا در این بحران‌ها برای سرنگونی رژیم‌ها، مداخله‌گری مستقیم و غیرمستقیم نظامی داشته و گام به گام به بهانه‌های مختلفی چون مبارزه با داعش نیروی نظامی خود را در کشورها از جمله در سوریه مستقر کرده‌اند. سوم، روسیه با دو جنگ نظامی و سیاسی در درون سوریه روبه‌رو است. گروه‌های مختلف معارض سوری مسلح بوده و با حمایت دولت‌های خارجی خواستار سرنگونی رژیم اسد هستند.

باید در نظر گرفت که مسئله اصلی روسیه در مقابل بازیگران خارجی، در درجه اول تلاش‌های آمریکا برای نفوذ از طریق سرنگونی رژیم‌ها و تغییر چهره سیاسی و ژئوپلیتیکی منطقه و استقبال از هر تغییر رژیم ناهم‌سو با منافع آمریکا به منزله یک فرصت برای غرب‌گرایی یا پیشبرد ارزش‌های آن است. در چنین فضایی روسیه خواه‌ناخواه با دو جبهه سخت و نرم سیاسی درگیر است. از این رو برای آنکه بتواند در بحران سوریه به حفظ و ارتقا منافع پایدار و بلندمدت خود پردازد و برای جلوگیری از مداخله و به دست گرفتن ابتکار عمل آمریکا در هدایت و مدیریت بحران در کشوری

که متحد روسیه است اقدامی انجام دهد؛ ابتدا می‌بایست با نگاه راهبردی و بلندمدت بر دو وجه نرم و سخت قدرت در داخل سوریه سرمایه‌گذاری کند.

در پژوهش حاضر به چگونگی کاربست راهبردهای نرم و سخت قدرت روسیه در تقابل با بازیگر قدرتمندی چون آمریکا پرداخته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه روسیه از قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) در برابر مداخله آمریکا (۲۰۱۱-۲۰۲۳) در سوریه استفاده کرده است؟ برای بررسی از روش تبیینی، با گردآوری اسناد کتابخانه‌ای و در چارچوب مفهوم قدرت هوشمند از منظر جوزف نای که از تئورسین‌های اصلی قدرت هوشمند نیز است استفاده شده است. پژوهش برای بررسی این فرضیه را مورد آزمون قرار خواهد داد که؛ روسیه ورود آمریکا به بحران سوریه را تهدیدی علیه حفظ رژیم بشار اسد و منافع خود می‌داند بنابراین با استفاده از قدرت هوشمند تلاش داشته است برای تقویت نفوذ خود در بعد نرم به نفوذ فرهنگی، ارزشی و سیاست خارجی و در بعد سخت به قدرت نظامی و اقتصادی توجه کند.

۱. رهیافت تحلیلی؛ قدرت هوشمند

ایده قدرت هوشمند را نخستین بار سوزان ناسل^۱ در مقاله‌ای در نشریه امور خارجی ۲۰۰۴ به کاربرد و به عنوان شیوه‌ای عمل‌گرایانه برای پیشبرد منافع کشورها در سطح بین‌المللی معرفی کرد (Foreignaffairs, 2009:1). به اعتقاد ناسل، منابع قهری و اقناعی باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن تضمین تداوم و برتری یک کشور در سیاست باشد. از همین رو، به نظر او می‌توان استراتژی امنیت ملی دولت بوش در سال ۲۰۰۲ را راهبرد ترکیبی از مبارزه سخت با تروریسم در عین ترویج دموکراسی، بازارهای آزاد و تجارت دانست. البته ناگفته نماند قبل از کاربرد واژه قدرت هوشمند توسط ناسل، به صورت عملی می‌توان این راهبرد را در دوره‌های گذشته و تاریخ کشورها نیز مشاهده کرد. برای مثال، در طول جنگ سرد، غرب از قدرت سخت (نظامی) برای جلوگیری از تجاوزهای شوروی و از قدرت نرم برای از بین بردن ایدئولوژی کمونیسم و نفوذ آن استفاده می‌کرد (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۰).

جوزف نای به عنوان اندیشمند دیگر قدرت هوشمند که البته مدعی است پیش از ناسل در سال

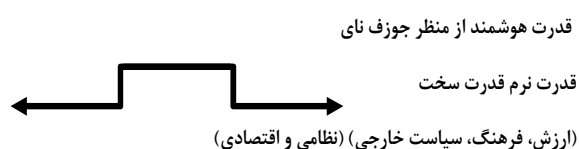
۲۰۰۳ قدرت هوشمند را ابداع کرده است نیز دیدگاه مشابهی در اهمیت قدرت سخت و نرم دارد. سه شکل قدرت سیاسی یکی از موضوعات برجسته‌ای است که در آثار نای دیده می‌شود و با نگرانی او از سوگیری محققان و سیاست‌گذاران نسبت به تأکید بر قدرت سخت یا «توانایی دستیابی به نتایج موردنظر از طریق اجبار یا پرداخت هزینه» همراه است. تمایل آن‌ها به نادیده گرفتن آنچه او قدرت نرم می‌نامد یا «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق ابزارهای مشارکتی در قالب‌بندی دستور کار، متقاعد کردن و برانگیختن جذابیت مثبت به منظور دستیابی به نتایج مطلوب» موجب می‌شود که او بر دو کاربرد این دو بعد قدرت تأکید کند.

نای می‌گوید منابع قدرت سخت می‌توانند قدرت نرم ایجاد کنند، مانند زمانی که یک کشور از نیروهای مسلح خود برای انجام عملیات امداد بشردوستانه به نمایندگی از کشور دیگر استفاده می‌کند. از سوی دیگر به نظر او در بیشتر موارد، قدرت نرم یک دولت از سه پایه مستقل و ایده‌آل سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مشروعیت سیاست خارجی (Resnick, 2015: 385). اهمیت توجه به این نظریه زمانی رخ داد که در سال ۲۰۰۶ مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) اعلام کرد «تصویر و نفوذ آمریکا در سراسر جهان رو به افول است و برای حفظ نقش رهبری در امور جهانی، ایالات متحده باید از ایجاد ترس و خشم به ایجاد خوش‌بینی و امید حرکت کند» (Wong-Diaz, 2013: 27). در سال ۲۰۰۷، با ادامه بدتر شدن اوضاع در عراق جان هامر، ریچارد آرمیتاژ و جوزف نای رئیس مشترک «کمیسیون قدرت هوشمند» مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن شدند که با جمعی از سناتورهای سابق و قضات دیوان عالی برای متمرکز کردن سیاست خارجی آمریکا به دنبال راهبرد عملی‌تر و کم‌هزینه بودند. پس‌از آن در دولت بوش، سال ۲۰۰۷، رابرت گیتس، وزیر دفاع از ایالات متحده خواست که در کنار قدرت سخت بر قدرت نرم نیز سرمایه‌گذاری شود (Nye, 2017). به این ترتیب قدرت هوشمند یک ایده عمل‌گرایانه برای سیاست خارجی در شرایط بحرانی مورد توجه قرار گرفت.

اهمیت قدرت هوشمند به نظر نای در این است که اولاً موجب به رسمیت شناختن اشکال مختلف قدرت و ابزارهایی آن در پیگیری اهداف سیاست خارجی می‌شود. ثانیاً از نظر وی، قدرت هوشمند نه به عنوان یک انتخاب بلکه یک «رویکرد» برای استفاده از قدرت به حساب می‌آید. او معتقد است که قدرت هوشمند انتخاب قدرت سوم نیست بلکه به عنوان یک روش یا یک رویکرد

4. Approach

بهره‌برداری از قدرت است که به تصمیم‌گیرندگان فرصتی برای انتخاب بهترین راه بر سر یک مسئله خاص می‌دهد. در واقع تفاوت بین دیدگاه قدرت سوم و رویکردی در تعریف و محدوده قدرت هوشمند است. در دیدگاه قدرت سوم، هوشمندی یکی از قدرتهای اصلی یک کشور در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در دیدگاه رویکردی، هوشمندی به عنوان یک قابلیت و توانایی بالقوه مورد بحث قرار می‌گیرد. ثالثاً، قدرت هوشمند بر نهادها، مشارکت و همچنین بر شرکا و متحدان نیز تأکید دارد؛ زیرا قدرت هوشمند از ماهیتی برخوردار است که به صورت انفرادی قابل حصول نیست (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۱). رابطه میان دو مؤلفه قدرت هوشمند یعنی قدرت سخت و نرم یک رابطه پیچیده و تعاملی، درهم‌تنیده و هوشمندانه است. به طوری که این دو مؤلفه جایگزین کامل همدیگر نیستند بلکه اغلب یکدیگر را تقویت می‌کنند. قدرت هوشمند در فضای ترکیب دو قدرت سخت و نرم قرار دارد و از آنجا که دولت‌ها بازیگرانی عاقل هستند، متعادل کردن عناصر قدرت سخت و نرم مستلزم نوعی ملاحظه، سنجش فرصت‌ها و موانع آتی و همچنین برداشت درست است (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۱: ۲۵۰).



۲. بحران سوریه و قدرت هوشمند روسیه در آن

ریشه‌های اصلی اختلافات و درگیری داخلی در سوریه با موجی از اعتراضات خیابانی از فوریه ۲۰۱۱ و به دنبال بهار عربی در کشورهای شمال آفریقا آغاز شد. این جنبش هرچند در آغاز آرام بود ولی رفته‌رفته خشونت‌آمیز شده و به محل مناقشه بین دولت بشار اسد و گروه‌های مخالف وی تبدیل شد. آنچه سوریه را به یکی از خشونت‌بارترین صحنه‌های جنگ در قرن بیست و یکم بدل ساخت، فراتر از موج اعتراضات داخلی بود. در واقع سوریه محل ورود مستقیم و غیرمستقیم نیروها و بازیگرانی شده بود که یا در داخل و به طور مستقیم در مناقشه وارد می‌شدند و یا از خارج به هدایت، تعیین خط‌مشی و تحریک به اغتشاش و شورش می‌پرداختند (احرامی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۷)؛ بنابراین بحران سوریه یک بحران پیچیده با حضور بازیگران متعدد است که بازیگران منطقه‌ای و

فراموشی‌های هرکدام طبق تفسیر و برداشت خود از ماهیت تحولات موجود به اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌هایی جهت به حداقل رساندن هزینه‌ها و کاهش ضرر و زیان ناشی از آن پرداختند. در میدان نبرد سوریه بازیگران خارجی در دو جبهه مخالف حضور دارند. جبهه اول متشکل از ترکیه، غرب، قطر و عربستان بود و از تغییر رژیم سوریه حمایت می‌کرد. از دید این کشورها راه‌حل اساسی حل بحران سوریه در ترک قدرت از سوی اسد قرار دارد. اردوگاه بعدی که نمایندگی آن را ایران و روسیه به صورت برجسته بر عهده دارند حل بحران سوریه را از طریق حمایت و تقویت دولت مرکزی سوریه امکان‌پذیر می‌دانند. از دید این کشورها وضعیت داخلی در سوریه مساعد گذار به دموکراسی و ثبات نیست و گروه‌های سیاسی در سوریه به شدت نظامی شده‌اند و در صورت حذف قدرت مرکزی وضعیت امنیتی در سوریه به مراتب بدتر خواهد شد (پیری و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۵). تقابل مخالفان و موافقان بشار اسد فضای دوقطبی شدیدی در سوریه به وجود آورد به این صورت که هر یک از این طرف‌ها نه تنها از نیروهای داخلی سوریه حمایت می‌کرد بلکه خود نیز وارد میدان بحران می‌شد.

با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی سیاست روسیه به صورت متمرکز و دقیق است (بدون ورود به سیاست‌ها و راهبردهای سایر کشورها) باید گفت سوریه از معدود کشورهای خاورمیانه است که هرگز روابط نزدیکی با ایالات متحده نداشته و واشنگتن نیز دمشق را تا پیش از بحران سوریه به عنوان یکی از کانون‌های منافع استراتژیک ملی خود تلقی نکرده است. در مقابل، سوریه از دهه ۱۹۵۰ متحد نزدیک روسیه بود. درست زمانی که ایالات متحده برای انعقاد معاهدات صلح جداگانه بین اسرائیل و کشورهای عربی تلاش می‌کرد، نگاه مسکو به دمشق با بندرهای آب گرم در طرطوس و لاذقیه به عنوان یک پایگاه بالقوه استراتژیک در شرق مدیترانه بود. البته باید توجه داشت که پس از مصر، سوریه بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های شوروی در خاورمیانه بود. در حقیقت سوری‌ها با تجهیزات نظامی روسیه به دنبال برابری استراتژیک با اسرائیل بودند (Sharnoff, 2023). هم‌چنین این نکته را باید در نظر داشت که از قبل در سوریه، گرایش‌هایی به غرب و آمریکا وجود داشت. هرچند این گروه‌ها و شخصیت‌ها متنوع بوده و هیچ‌کدام به‌تنهایی نمی‌توانستند نماینده کاملی برای همه گروه‌ها و جریان‌های مختلف در سوریه باشند ولی در هدف مشترک علیه رژیم بشار به طور قطع در تضاد با اهداف روسیه بودند. از همین رو طبیعی است اهداف سیاست روسیه از آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ در درجه اول حفظ بشار اسد باشد چراکه مانع تغییر رژیم و

روی کار آمدن یک دولت طرفدار غرب می‌شد. مسئله این بود که رهبران غربی تصور می‌کردند رژیم اسد مانند سایر رهبران بهار عربی سقوط خواهد کرد بنابراین خود را برای سناریوهای دولت جدید می‌توانستند آماده کنند. از این رو باراک اوباما در اوت ۲۰۱۱ خواستار استعفای اسد شد و گفت: «به خاطر مردم سوریه، زمان کناره‌گیری رئیس‌جمهور اسد فرارسیده است». نکته بعدی این است که روس‌ها حرکات غرب را زیر نظر داشتند. از این رو به سازمان‌های غیردولتی (NGO) به ظاهر بشردوستانه که به فعالیت‌های خیرخواهانه و کمک به مردم سوریه در زمان بحران مشغول بودند و تحت تأثیر قدرت‌های غربی در راستای اهداف آن‌ها عمل می‌کردند، بی‌اعتماد بود. دولت اوباما نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار که بیشتر آن از طریق سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای هزینه شد، در سوریه خرج کرد.

سوم مسئله ائتلاف بین‌المللی علیه سوریه بود. ایالات متحده تلاش کرد تا متحدان منطقه‌ای را به سمت خود بیاورد تا هم موقعیت خود را تقویت کند و هم اسد را منزوی کرده باشد. مسئله چهارم روسیه در سوریه نقش نیروهای نیابتی بود. در اوایل سال ۲۰۱۲، دولت اوباما ائتلافی از گروه‌های مخالف سوری را به رسمیت شناخت که از حمایت نظامی و مالی برخوردار بودند. در نهایت مورد پنجم میدان‌های متعدد درگیری با مخالفان بشار اسد بود (Armyupress, 2020). بدون شک تسلط بر این شرایط که ترکیبی از تقابل سخت و نرم است در صورتی امکان‌پذیر است که روسیه بتواند با اتخاذ استراتژی مناسب و با کمترین هزینه و نیرو موفق شود. از همین رو قدرت هوشمند با ترکیبی از قدرت سخت و نرم راهبرد مناسبی در این زمینه محسوب می‌شود. در ادامه تلاش خواهد شد تا طبق نظریه جوزف نای، قدرت نرم و سخت روسیه در سوریه که در تقابل با آمریکا بود، بررسی شود. قدرت نرم در نگاه جوزف نای شامل فرهنگ، ارزش و سیاست خارجی و قدرت سخت شامل قدرت نظامی و اقتصادی است.

۳. قدرت نرم روسیه در سوریه

سه رکن قدرت نرم نای عبارت‌اند از: ارزش‌های سیاسی، فرهنگ و سیاست خارجی. روسیه با منابع محدود قدرت نرم نسبت به آمریکا تلاش دارد از نفوذ قدرت نرم آمریکا بکاهد و فضایی برای احیای جایگاه قدرت خود در نظام بین‌الملل کسب کند. در ادامه سه رکن قدرت نرم نای دقیق‌تر مورد واکاوی قرار خواهند گرفت.

باید گفت از پیامدهای غالب شدن یک فرهنگ در سطح جهانی یا درون کشورها اولاً به حاشیه کشیدن فرهنگ‌های دیگر و سپس انطباق پذیر ساختن سایر فرهنگ‌ها با فرهنگ غالب است. در میان کشورهای تحت سلطه در طول تاریخ، گروه‌ها و افراد بسیاری با پذیرفتن برتری ذاتی و نژادی برخی دیگر، دچار خودکم‌بینی شده و پیروی از آن‌ها را تنها راه پیشرفت و ترقی خود و تقویت در انتظار کمک از بیگانگان دانسته‌اند. (منصوری، ۱۳۸۵: ۴۲). تلاش آمریکایی‌ها برای نفوذ فرهنگی در میان کشورهای مختلف و نمایش برتری فرهنگ آمریکایی می‌تواند به‌غیراز روابط یا کالاهای فرهنگی در قالب اقدامات انسان دوستانه، اصول دموکراتیک و... نیز ترویج شود. هرچند رفتار آمریکا در سیاست خارجی به اصول دموکراتیک پایبند نیست اما این یک واقعیت است که فرهنگ یک «نیروی بازنمایی» در پشت خود دارد که وظیفه نمایندگی کشور را بر عهده دارد (Dutta, 2018). آمریکا در تلاش برای بازنمایی مثبت از تصویر و فرهنگ خود در جهان و بازنمایی منفی از رقبای خود با تأثیر بر روابط بین‌الملل، از جمله مبارزه با تروریسم، حقوق بشر، بهبود وضعیت زنان و ... داشته است.

ولادیمیر پوتین در کنفرانس سفرا و نمایندگان روسیه در ماه ژوئیه ۲۰۱۲ گفت: «سیاست قدرت نرم نشان‌دهنده ارتقای منافع و رویکردهای فرد از طریق متقاعد کردن و برانگیختن هم‌دردی با کشورمان بر اساس دستاوردهای آن، نه تنها در زمینه مادی بلکه هم‌چنین در حوزه‌های معنوی، فرهنگی و فکری است. باید بپذیریم این ما نیستیم که تصویر روسیه را در خارج از کشور شکل می‌دهیم؛ بنابراین اغلب تحریف می‌شود و وضعیت واقعی این کشور یا کمک روسیه به ارتقا تمدن، علم و فرهنگ جهانی را منعکس نمی‌کند» (Kosachev, 2012). نای بیان می‌کند که وقتی فرهنگ‌ها ایجاد شدند یا پذیرفته شدند معیارهای رهبری ساخته می‌شود و به این ترتیب تعیین می‌شود که چه کسی رهبر خواهد شد یا نخواهد شد (نای، ۱۳۸۷: ۱۸۰). در بحران سوریه کشور روسیه نگران نفوذ فرهنگ آمریکایی است که به نوعی منافع روسیه و جایگاه آن را می‌تواند به مخاطره بیندازد و موقعیت رهبری آمریکا را در منطقه و جهان تقویت کند؛ بنابراین در واکنش به آن، اقدامات متعددی در بازنمایی مثبت از روسیه در دستور کار قرار گرفت. در راستای تصویر مثبت بود که روسیه حضور خود در سوریه را با مبارزه با تروریسم توجیه می‌کرد. مورد دیگر کمک‌های بشردوستانه روسیه به عنوان یک ابزار قدرت نرم است که اغلب در ترکیب با راهبردهای دیگر قدرت نرم استفاده می‌شود (Ruslan-Trad, 2021).

روسیه در راستای ایجاد تصویری مثبت، در نقش یک ناظر و داور، وجهه‌ای فعال و علاقمند به کمک‌های بشردوستانه از خود نشان می‌دهد. به طور کلی روسیه در بازسازی سوریه ۲۳.۳ میلیون دلار کمک کرده است که ۸۱ درصد کل کمک‌های آن (۱۸۰/۳ از ۳۸۹۷ مورد تحویل کمک) توسط نهادهای دولتی روسیه تحویل یا پشتیبانی شده است. اگر چه نهادهای غیردولتی ۱۹ درصد باقیمانده را تشکیل می‌دهند اما بسیاری از این نهادها از طریق رهبران ارشد آن‌ها به طور غیررسمی در برابر کرملین نیز پاسخ‌گو هستند (Ruslan-Trad, 2021).

در راستای تقویت تصویر روسیه نسل جوان یک هدف اصلی تبلیغاتی برای روسیه به شمار می‌آید زیرا این بخش از جمعیت سوریه می‌تواند به شدت تحت تأثیر فرهنگ غربی قرار گرفته و با موفقیت در معماری نفوذ استراتژیک آمریکا در خاورمیانه مشارکت کند. از این رو در سپتامبر ۲۰۱۸، اولین گروه از جوانان سوری وارد سن‌پترزبورگ شدند تا تحصیلات خود را در مدارس نظامی روسیه آغاز کنند. این آموزش در جهت جذب سالانه جوانان سوری در قالب سپاه دانش‌آموزان روسیه و در چارچوب توافق‌نامه‌هایی صورت گرفت که قبلاً توسط مسکو و دمشق به امضا رسیده بود. این سرمایه‌گذاری دستیابی مسکو به نخبگان وفادار و حضور پایدار کرملین در سوریه را به ارمغان خواهد آورد (Ruslan-Trad, 2021). هم‌چنین روسیه ۵۰۰ بورسیه تحصیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برای سال تحصیلی ۲۰۱۹ به دانشجویان سوری ارائه داد که از دیگر اقدامات حمایتی از مؤسسات آموزش عالی در سوریه است. ناگفته نماند که ممنوعیت سفر به ایالات متحده برای کسانی که پاسپورت سوری دارند تا حد زیادی مانع تحصیل دانشجویان سوری در ایالات متحده شده است (Al-Fanar, 2019) و همین امر زمینه مناسبی برای ایجاد تصویر منفی از آمریکا یا بیم اخراج از آنجا را به نفع روسیه فراهم آورد.

با حمایت همه‌جانبه روسیه از رژیم سوریه بود که دمشق تصمیم گرفت زبان روسی را در برنامه مدارس به عنوان زبان خارجی دوم بگنجانند. این امر با حمایت مالی وزارت آموزش روسیه برای توسعه مجموعه‌ای از مواد آموزشی برای مطالعه روسی به عنوان یک زبان خارجی همراه است و در آستانه سال ۲۰۱۸، مجموعه‌ای از مواد آموزشی برای دانشگاه‌های سوریه نیز آماده شد (Hedclub, 2019). گنجاندن زبان روسی در برنامه‌های درسی در سوریه به صورت آزمایشی از سال تحصیلی ۲۰۱۵-۲۰۱۶ آغاز و توسط ۱۹۰ معلم در ۲۱۷ مدرسه تدریس شده است (Fonte, 2022).

نای معتقد است که ارزش‌های یک کشور می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در روابط بین‌الملل نقش داشته باشد و به ترویج ایده‌ها و ارزش‌های یک کشور کمک کند. روسیه آگاه است که آمریکا از طریق قدرت نرم دنبال تحمیل ارزش‌های لیبرالی و ایجاد زمینه‌های مداخله‌گرایی در امور داخلی سایر کشورها است. درک روسیه نیز این است که ایالات متحده و همراهانش به دنبال این تفکر هستند تا امر خطیر حفظ نظم عمومی جهان را بر عهده بگیرند ولی برای انجام آن نمی‌توان تنها به نظام قراردادی و حقوقی جهانی متکی بود بلکه آمریکا باید بتواند به صورت بین‌المللی و فارغ از قیدهای نهادهای حقوقی جهانی به افزایش سطح هنجارها و ارزش‌هایی چون آزادی، دموکراسی و حقوق بشر آمریکایی بپردازد (اشتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳۷۱).

باید گفت مقامات کرملین، تمایل فزاینده‌ی آمریکا برای «مداخله در امور داخلی دولت‌های حاکم» را تنها محدود به اقدام نظامی همانند آنچه علیه افغانستان (۲۰۰۱) یا عراق (۲۰۰۳) انجام داد نمی‌بینند. در واقع آنچه بخش مهمی از دیدگاه روسیه را شکل داده مجموعه‌ای از انقلاب‌های رنگی در کشورهای مجاور مانند «انقلاب رز» در گرجستان (۲۰۰۳)، «انقلاب نارنجی» در اوکراین (۲۰۰۴) و «انقلاب لاله‌ها» که در قرقیزستان (۲۰۰۵) بود که در نظر نخبگان روسیه به عنوان بخشی از پروژه آمریکایی برای گسترش ارزش‌های غربی و نفوذ ناتو برای محاصره روسیه است. بعدها، قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱، ذهنیت محاصره روسیه و این باور را تقویت کرد که ایالات متحده و سایر کشورهای غربی انقلاب‌هایی را در سرتاسر جهان دامن می‌زنند و این اقدام در داخل روسیه نیز می‌تواند رخ دهد؛ همان‌گونه که اعتراضات مردمی در ۲۰۱۲ علیه تصدی مجدد ریاست‌جمهوری پوتین به راه انداخته شد (Katulis, 2023). از این رو، روسیه نسبت به مداخله و گسترش ارزش‌های آمریکایی به عنوان «اسب تروا غرب» برای جذب مردم و نفوذ به ارزش‌های افراد مقاومت نشان می‌دهد و می‌داند که قدرت نرم، ارزش‌ها و ریشه‌های ایدئولوژیک داشته و ابزاری برای سیاست خارجی آمریکا به شمار می‌رود (Ukdiss, 2022).

روسیه برخلاف غرب از گسترش دموکراسی و ارزش‌های لیبرال یا بروز انقلاب‌ها پشتیبانی نمی‌کند و با اشاره به جنگ‌های آمریکا در افغانستان، عراق و لیبی معتقد است که سرنگونی دولت‌ها نمی‌تواند منجر به دموکراسی شود و آمریکا باید از این عمل بازداشته شود (Benammar, 2013). مسکو بر عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها تأکید دارد و سعی داشته است نخست حضور خود در

سوریه را به عنوان اقدامی علیه تروریسم و دعوت شده از سوی رژیم بشار اسد نشان بدهد. یکی از راه‌هایی که برای پیروی کردن از ارزش‌ها می‌شود انجام داد اعمال تحریم‌ها است؛ بنابراین، روسیه با حق و توازن سوریه حمایت کرد (Edubirdie, 2022). رفتار روسیه نشان داد که هرگز نمی‌تواند از انگیزه‌های آمریکا و دلایل بشردوستانه آن مطمئن باشد به همین دلیل پوتین در مصاحبه با روزنامه کومرسانت (۲۰۱۲) به سیاست‌های آمریکا در خصوص تعریف جدید از حقوق بشر و دخالت در امور داخلی دیگر کشورها انتقاداتی وارد کرد (Dieck, 2014).

روسیه می‌خواهد نشان بدهد که تفاوت درک روسیه و غرب از نقش حقوق بشر در روابط بین‌الملل، ماهیتی مفهومی و کاربردی دارد. از آنجایی که ماهیت درک روسیه بر اساس میراث فکری مفهوم حقوق بشر شوروی شکل گرفته است، در آن دولت منبع حقوق بشر بوده و دامنه آن‌ها را تعیین می‌کند، بنابراین حقوق بشر به سادگی نمی‌تواند مهم‌تر از دوام و قدرت دولت باشد. به گفته لاوروف، این ادعا که به نام مسئولیت حمایت باید در همه مواردی که در جهان مردم شروع به ابراز نارضایتی از دولت‌ها کنند یا برخی مقامات غربی آن را برای تجویز مداخله‌گری بهانه کنند غیرقابل قبول است. پوتین نیز معتقد است که جنایات علیه بشریت باید توسط دادگاه بین‌المللی مجازات شوند نه این که به راحتی توسط دولت‌ها و برای نقض حاکمیت دولت‌ها به کار روند؛ بنابراین روسیه با دفاعی قاطع، از نهادهای قانونی سازمان ملل به ویژه قوانین بین‌المللی در مورد عدم مداخله و حاکمیت دولت می‌خواهد که از دولت سوریه در برابر سرنگونی اجباری خارجی محافظت کنند. هم‌چنین از ایجاد سابقه‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل که به ایالات متحده و متحدان غربی آن اجازه می‌دهد تا از ناتو برای مداخله خودسرانه استفاده کند، جلوگیری کند (Oligie.2019:111).

در کل، از نظر روسیه، نقش بازیگران بین‌المللی در صورت درگیری‌های داخلی تنها در کمک به طرف‌های مختلف درگیری برای نشستن بر سر میز مذاکره محدود شود. جدای از اختلاف نظرهای مفهومی، روسیه بیزاری شدیدی نسبت به گفتمان حقوق بشر غربی پیدا کرده است و آن را بهانه‌ای برای مداخلات بشردوستانه و تغییر رژیم در تعقیب اهداف ژئوپلیتیکی می‌داند. لاوروف بیان می‌کند که سوریه «یکی از ستون‌های معماری خاورمیانه است» و «بی‌ثبات‌سازی آن شدیدترین عواقب را برای کل منطقه خواهد داشت» (Bagdonas, 2012: 68-69). از همین رو هر گونه سیاستی را که با عنوان گسترش دموکراسی و حقوق بشر در سوریه از سوی مقامات کاخ سفید برای مداخله در

سوریه مطرح شد را نادیده گرفته و در برابر آن مقاومت نمود.

۳-۳. سیاست خارجی

سیاست خارجی، به عنوان عاملی مؤثر در تعامل کشورها با یکدیگر و اعمال قدرت نرم، مهم است. پس از فروپاشی شوروی سیاست خارجی روسیه دست‌کم بر حفظ روابط خود با اعضای شوروی سابق از طریق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع متمرکز شد. پریماکوف که در ۱۹۹۶ به عنوان وزیر خارجه دولت بوریس یتسین انتخاب شد، به دنبال تقویت مجدد روابط سستی عمدتاً با خاورمیانه برآمد اما در نهایت در دهه ۲۰۰۰ و با روی کار آمدن پوتین بود که راهبرد احیای قدرت روسیه در جهان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. البته این راهبرد با ملاحظات گوناگونی از جمله شرایط داخلی، اقتصاد روسیه و ... همراه بود و به همین جهت ایده نظام چندقطبی پریماکف که به دنبال توزیع قدرت بین بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان برای کاهش تأثیر آمریکا در جهان بود با رویکردی عمل‌گرا و راهبرد مقاومت مثبت توسط پوتین جایگزین شد که مبتنی بر پذیرش وضع موجود، عدم تقابل بی‌حاصل، مسامحه، مصالحه و هم‌زمان با رویکرد فرصت‌طلبانه برای کسب بیشترین منافع راهبردی از کوچک‌ترین مجال‌ها و انتقاد از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تأکید بر چندجانبه‌گرایی بود (سازمند، ۱۳۹۰: ۶۱ و ۲۱۸). پیرو همین راهبرد و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در سال ۲۰۱۱ وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاوروف گفت: «ما به شدت نسبت به هر نوع دخالت خارجی در امور داخلی سوریه علیه حکومت و مردم آن کشور هشدار می‌دهیم.» روسیه بارها به دولت آمریکا هشدار داد که اقدامات نظامی در سوریه می‌تواند منجر به بروز جنگ شدید در منطقه شود و به آمریکا پیشنهاد کرد که با کمک دیگر کشورهای منطقه به جای ارسال نیروی نظامی به سوریه، برای حل بحران از راه دیپلماسی استفاده شود اما آمریکا این پیشنهاد را نپذیرفت (Dieck, 2014).

جامعه بین‌الملل از حدود سال ۲۰۱۲ در مورد برکناری اسد موضع‌گیری کرد اما موضع روسیه از آغاز درگیری در سوریه مشخص و حامی این رژیم بود (Edubirdie, 2022). آمریکا در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ فیلم‌ها و تصاویر حمله شیمیایی به شورشیان سوری در نزدیکی دمشق را نشان داد و تلاش داشت از طریق دیپلماسی اجبار همراه با فشار و تهدید نظامی، سوریه را تحت فشار قرار دهد؛ پوتین در مصاحبه با آسوشیتدپرس و شبکه یک تلویزیون دولتی روسیه نسبت به اقدام نظامی آمریکا در سوریه هشدار داده و به آن‌ها گفت: «ما برنامه‌های خود را داریم» (Borshchevskaya, 2022).

پس در حالی که او با اعلان موضع جنگی علیه حکومت سوریه کرده بود با واکنش قاطع روسیه و رایزنی‌های گسترده این کشور روبرو گردید و نتیجه آن تصویب قطعنامه‌ای بود که تحت نظر بازرسان ملل متحد تمام سلاح‌های شیمیایی معرفی شده از طرف دولت آن طرف مدت یک سال نابود گردد و در عوض او با اعلان موضع خویش مبنی بر کسب مجوز جنگ از کنگره عقب‌نشینی کند (محبی نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۹۵). این طرح مشترک روسیه با آمریکا برای از بین بردن تسلیحات شیمیایی سوریه که شامل تعهد اسد به پیوستن به کنوانسیون بین‌المللی منع سلاح‌های شیمیایی و پذیرش قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت نیز می‌شود، یک پیروزی دیپلماتیک برای روسیه به شمار می‌رفت. مسکو با قطعنامه ۲۱۱۸ اطمینان یافت که اقداماتی ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد انجام نمی‌شود (Averre & Davies, 2015:821). در سایر موارد بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴، روسیه چهار بار از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل در قبال سوریه استفاده کرد (Edubirdie, 2022).

روسیه به دنبال ارتباط با مخالفان و دولت سوریه بود و از مدل «چماق و هویج» در هنگام برقراری ارتباط با مخالفان رژیم اسد استفاده می‌کرد. در هماهنگی با دفتر امنیت ملی و از طریق آستانه، روسیه توانست با طرف‌های درگیر از جمله احزاب مختلف سیاسی، مقامات محلی، رهبران مذهبی و قبایل وارد تعامل شود. هم‌چنین توانست از طریق کانال‌های نظامی و امنیتی مانند پایگاه هوایی حمیمیم و وزارت دفاع روسیه و یا از طریق کانال‌های سیاسی که توسط وزارت امور خارجه روسیه با هماهنگی حمیمیم اداره می‌شد، با کردها ارتباط برقرار کند (Aldassouky, 2017). ابتکار صلح برای برگزاری نشست‌ها توسط روسیه، ترکیه و ایران برای حل بحران سوریه به منزله دور زدن روند آمریکا بود. در سال ۲۰۱۲ روند صلح سوریه در سازمان ملل متحد که با تشکیل کارگروهی سوریه با عنوان «حاکمان بدون نماینده» در پایان کنفرانس ژنو ۱ آغاز و در آخرین جلسه از کنفرانس ژنو ۲ در فوریه ۲۰۱۴، توافقنامه ۱۲ ماده‌ای بین نیروهای معارض و دولت سوریه منعقد شد که شامل ایجاد یک هیئت منصفه برای مدیریت انتقال قدرت، طرحی برای انتقال صلح و هم‌چنین تعهد به محافظت از حقوق بشر و حفظ وحدت و حرکت با معارضان سوریه بود. مذاکرات ژنو به علت تعارضات عمده در مواردی چون تشکیل هیئت منصفه، توقف ملاحظات نظامی و سایر مسائل سیاسی که به نظر غربی‌ها با هدایت روسیه بود به شکست رسید و منجر به راه‌اندازی یک‌روند موازی شد که حضور ایالات متحده و سازمان ملل را مستثنی می‌کرد. در ژانویه ۲۰۱۷، اولین نشست

روند آستانه در پایتخت قزاقستان با حضور روسیه، رژیم اسد، ایران و ترکیه برگزار شد (Hamilton, Miller, & Stein, 2020:5-6). که با توافق‌های بعدی با شورشیان در سایه لوله تفنگ در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ منجر شد و نقش روسیه به اوج رسید.

۳. قدرت سخت

قدرت سخت مسکو در سوریه از بعد اقتصادی و مداخله نظامی قابل بررسی است. در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵، نیروهای نظامی روسیه به دعوت رسمی دولت سوریه و با هدف حمایت از رژیم حاکم در برابر گروه‌های مختلف مسلح و تروریستی در جبهه‌ها و مناطق مختلف این کشور وارد عمل شدند (Ruslan-Trad, 2021).



شکل ۱- جنگ داخلی سوریه؛ نقشه کنترل سرزمینی از نوامبر ۲۰۱۵ (Kofman & Rojansky, 2018)

با توجه به حضور نظامی آمریکا در سوریه اندکی پس از مداخله روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵، ارتش

آمریکا و روسیه کانالی را برای رفع درگیری عملیات هوایی خود بر فراز این کشور ایجاد کردند. در ژوئیه ۲۰۱۷، زمانی که نیروهای زمینی ایالات متحده، روسیه و شرکای آن‌ها خود را در نزدیکی یکدیگر یافتند، یک کانال موازی زمینی نیز ایجاد شد. زمانی که روسیه می‌خواست نارضایتی خود را از وضعیت نظامی در سوریه نشان دهد یا ایالات متحده را مجبور به گفت‌وگو در مورد موضوعی خاص کند، از این کانال‌ها برای اعمال فشار استفاده می‌کرد از جمله خود را در حال آماده شدن برای حمله به مناطقی نشان می‌داد که نیروهای آمریکایی و شرکای آن در حال عملیات بودند. حضور جنگجویان داعش در این مناطق باعث می‌شد که مکالمه‌ای در سطح بالا بین فرماندهان آمریکایی و روسی انجام شود.

هدف قرار دادن عمده‌ی گروه‌های موردحمایت غرب و حملات بی‌رویه، برای ترغیب گروه‌های مخالف به ترک محل بود. تشدید تنش عمده‌ی با آمریکا برای مختل کردن عملیات این کشور و به دنبال آن کاهش تنش برای اطمینان از عدم درگیری مستقیم بین ایالات متحده و روسیه از راهبردهای سخت در کنار نرم بود (Hamilton, Miller, & Stein, 2020:131, 133,135). ۲۰ نوامبر ۲۰۱۵ پس از سقوط هواپیمای جنگی روسی در حدود مرز ترکیه، روسیه برای تقویت نظام دفاع هوایی خود در سوریه، سامانه S-400 را به این کشور ارسال کرد. در سال ۲۰۱۶ روسیه با حمایت نظامی به سوریه کمک کرد تا در نبرد بین مخالفان و رژیم اسد، قلب اقتصادی سوریه یعنی حلب به تصرف کامل نیروهای رژیم درآید (Ruslan-Trad, 2021).

هم‌چنین این کشور موفق شد در سوریه بر اساس توافقنامه‌ای رسمی و قابل پذیرش بین‌المللی، پایگاه هوایی حمیمیم در استان اللاذقیه (۲۰۱۵) را با هدف حمایت از نیروهای نظامی سوریه در جنگ داخلی و پایگاه نظامی طرطوس در استان حلب (۲۰۱۶) را جهت حفظ و تقویت حضور نظامی روسیه در سوریه ایجاد کند. بر اساس اسناد جولای ۲۰۱۷، روسیه با توافقنامه‌ای توانست پایگاه هوایی خود را برای حدود نیم‌قرن در سوریه نگه دارد (Helou, 2018). در ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۸ پس از آغاز عملیات نظامی در ادلب، روسیه به همراه نیروهای سوریه و ایران، بمباران‌های شدیدی علیه مناطق کنترل‌شده توسط مخالفان دولت را شروع کرد. خروج ناگهانی ارتش آمریکا در اکتبر ۲۰۱۹ از یک کریدور زمینی در شمال شرق سوریه فرصت‌های بیشتری را برای روسیه به ارمغان آورد.

باید گفت عملیات نظامی روسیه در سوریه پیامدهای متعددی از نظر قدرت نظامی بر روسیه و به

ویژه در مواجهه با آمریکا داشت. سوریه فرصت بسیار ارزشمندی برای جمع‌آوری اطلاعات، اقدامات جنگ الکترونیکی، جمع‌آوری اطلاعات از رادارها و داده‌های نظامی آمریکا و اقدامات مقتضی از جمله روش مقابله با حمله موشکی کروز ایالات متحده را، برای روسیه فراهم آورد. بر اساس ارقام رسمی، ۳۵۹ نوع سلاح برای اولین بار در نبردهای واقعی سوریه مورد استفاده قرار گرفته است. نوسازی تجهیزات نظامی هم چون بمب‌افکن‌ها یا بالگردهایی که برخی از آن‌ها از دوران شوروی بودند در دستور کار قرار گرفت. در ابتدای سال ۲۰۱۹ وزارت دفاع روسیه گزارش داد که بیش از ۶۸۰۰۰ پرسنل نظامی، تجربه رزمی در سوریه به دست آورده‌اند. تا سال ۲۰۲۰، ۹۰ درصد از کل خدمه هوانوردی Ruaf و ۵۶ درصد از پرسنل پدافند هوایی، دست‌کم یک بار در سوریه حاضر بوده‌اند. حتی برخی از خلبانان بیش از ۲۰۰ سورتی جنگی انجام داده‌اند. روسیه در حدود پنج سال عملیات رزمی، هشت هواپیما و هشت بالگرد و هفتادوسه سرنشین هواپیما را از دست داد. تنها یک فروند هواپیما با آتش دشمن سرنگون شد و برخی دیگر به دلیل حوادث و مشکلات فنی از دست رفتند. منابع غربی بیان می‌کنند که نیروهای روسیه احتمالاً هرگز از ۵۰۰۰ تجاوز نکرد و تا سال ۲۰۱۸ کمتر از ۴۰۰۰ نفر نیز بود. ارتش سوریه در نبرد زمینی هماهنگ با روسیه بود که بیشتر عملیات هوایی انجام می‌داد (Hamilton, Miller, & Stein, 2020:61, 100,107,138).

با وجود حمایت نظامی روسیه از سوریه از سال ۲۰۱۵ تحویل اسلحه به آن کشور ۸۷ درصد کاهش یافت. سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ روسیه فقط ۴۵ نفر زرهی و تانک جنگی و تعداد کمی سیستم توپخانه به سوریه تحویل داد. در سال ۲۰۱۸ روسیه هم‌چنین سه بخش از سیستم موشکی ضد هواپیما اس-۳۰۰ را به سوریه داد (شوری و همکاران، ۲۰۲۰:۳۶-۳۵). به هر حال، دخالت روسیه در جنگ داخلی برای تضمین تعادل امنیتی در خاورمیانه است. روسیه نشان داد آمریکا بدون همراهی با این کشور قادر به اجرای طرح‌های منطقه‌ای و جهانی خود نیست و هم‌چنان این کشور در غرب آسیا قدرت دارد. اقدامات نظامی روسیه در سوریه پشتوانه‌ای برای ظهور سیاست خارجی این کشور در عرصه جهانی شد تا بار دیگر در دستورکارهای جهانی برای حل منازعات به عنوان یک طرف بازی دیده شود.

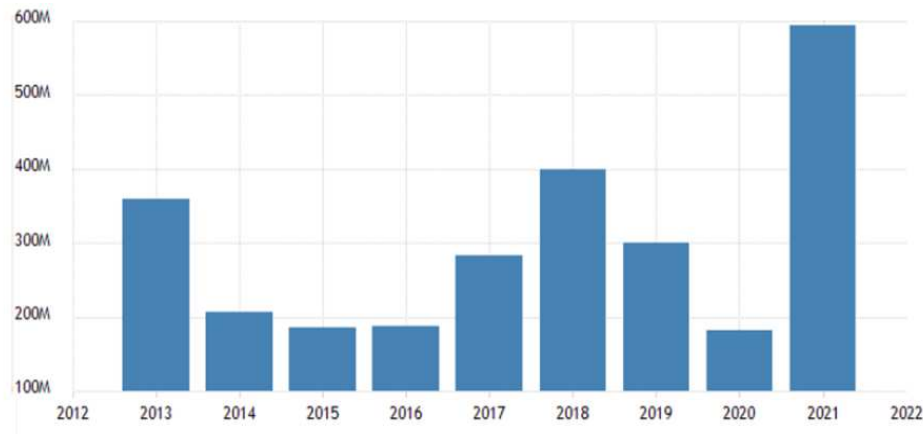
۵. قدرت اقتصادی

مجموعه تحریم‌های بین‌المللی، خشک‌سالی، کاهش ارزش پول، کاهش ذخایر داخلی و ۱۱ سال

جنگ باعث شده سوریه نتواند کالاهای اساسی خود مانند مواد غذایی و سوخت را از بازارهای بین‌المللی تهیه کند. این کشور به واردات نفت از ایران و خرید گندم از روسیه محدود شده و با گزینه‌هایی کم یا حتی بدون گزینه‌های دیگر برای پاسخ‌گویی به تقاضای داخلی مواجه است. تولید ناخالص داخلی سوریه از ۶۰/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به حدود ۲۱/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت. جنگ در سوریه بیش از ۵۳۰ میلیارد دلار خسارت وارد کرده و عملیات نظامی بیش از ۴۰ درصد از زیرساخت‌های این کشور را نابود کرده است (Noureddine, 2022). روابط اقتصادی و تجاری بین دو کشور پس از آغاز تظاهرات سوریه در سال ۲۰۱۱ کاهش یافت و از ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۹۸ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ رسید؛ که تنها ۳/۷ درصد از کل واردات سوریه را تشکیل می‌دهد. این کاهش نتیجه تعلیق کل صادرات نفت روسیه به سوریه پس از اعمال تحریم‌های غرب بر بخش نفت این کشور و همچنین کاهش صادرات تسلیحات روسیه است. اگرچه روسیه به عنوان حامی مالی بزرگ دمشق عمل نکرده با این حال از سال ۲۰۱۱، مؤسسات بانکی روسیه پس از اعمال تحریم‌های کشورهای غربی بر بخش بانکی سوریه، از نگهداری سپرده‌های خارجی توسط بانک مرکزی سوریه استقبال کردند که به نوعی پناهگاه مالی و جایگزینی برای بازرگانان سوری و اعضای خانواده حاکم هم به شمار می‌آید. میزان وجوه سپرده شده مشخص نیست همچنین روسیه پس از کاهش شدید تولید داخلی این کشور در نتیجه درگیری‌ها، به تأمین‌کننده اصلی گندم به سوریه تبدیل شد. میزان عرضه سالانه گندم روسیه به سوریه از ۶۵۰۰۰۰ تن در سال ۲۰۱۵ بود که پس از آن به بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تن در سال افزایش یافت. در سال ۲۰۲۱، سوریه ۱/۲ میلیون تن گندم به ارزش ۳۱۰ میلیون دلار را وارد کرد. (Daher, 2022).

در سوی دیگر در بستر تحریم‌های آمریکا علیه سوریه شرکت روسی Stroytransgaz (STG) که در سال ۲۰۰۵ در سوریه فعالیت خود را آغاز کرده بود و خود در آوریل ۲۰۱۴ توسط ایالات متحده به دلیل نقش روسیه در اوکراین هم تحریم شده بود؛ توانست در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ سه قرارداد را با سوریه امضا کند که به روسیه اجازه می‌داد تا بر کل فرآیند تولید فسفات و همچنین زنجیره حمل‌ونقل و صادرات از معادن به بندرها نظارت کند. در سپتامبر ۲۰۱۹، وزارت نفت سوریه نیز سه قرارداد با شرکت‌های روسی با موضوع اکتشاف، حفاری و تولید در بخش‌های نفت و گاز در مناطق مرکزی و شرقی سوریه امضا کرد (Daher, 2020). همچنین فعالیت‌های اکتشاف و استخراج فراساحلی به شرکت روسی کاپیتال در سال ۲۰۲۱ واگذار شد. شرکت روسی سایوز حق

انجام اکتشاف نفت و گاز از ساحل جنوبی طرطوس تا شهر بانیا به مساحت بیش از ۲۱۹۰ کیلومترمربع و قراردادی برای بررسی منطقه قره در حومه حمص که دارای میداین گاز طبیعی بالقوه قابل توجهی است، دریافت کرد. قراردادهای سایوز نفت گاز نیز فراتر از بخش انرژی است و شامل اخذ حق استخراج فسفات از میداین منطقه پالمیرا سوریه با قراردادهای ۵۰ ساله و حجم تولید



شکل ۲- صادرات روسیه به سوریه (Tradingeconomics,2023)

نزدیک به ۲/۲ میلیون تن در سال است. این شرکت هم‌چنین حق اکتشاف مواد معدنی در میدان‌های فسفات در منطقه بادیه در شرق دمشق را کسب کرده است. گفتنی است که سوریه دارای ذخایر بیش از ۱/۹۵ میلیارد تن فسفات در این میداین است که چهارمین میدان بزرگ در جهان به شمار می‌آید. امضای قرارداد سرمایه‌گذاری ۴۵ ساله با بازرگانان روسی نزدیک به پوتین برای ایجاد پروژه‌های گردشگری در امتداد سواحل منطقه لاذقیه با وسعت بیش از ۷ هکتار منعقد شد (Noureddine, 2022).

افزایش روابط اقتصادی با سوریه به روسیه نیز کمک می‌کند تا منافع خود را در منطقه حفظ کرده و تأثیر و توانایی خود را در خاورمیانه تقویت کند. مسکو با گسترش روابط اقتصادی با دمشق، توانایی این را پیدا می‌کند در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی و اقتصادی سوریه نقشی فعال داشته باشد و تأثیر خود را در منطقه عمق ببخشد. از این طریق روسیه سعی دارد تا سهم غرب در اقتصاد سوریه را کاهش داده و خود را به عنوان یکی از قدرت‌های مؤثر در منطقه نشان دهد. برخی از تجارت‌ها و

همکاری‌ها به روسیه فرصت‌های مهمی می‌دهد مانند قراردادهای نفت و گاز با این کشور که می‌تواند منبع درآمد قابل توجهی برای روسیه باشد و یا توسعه بنادر سوریه که راه را برای فعالیت‌های نظامی و تجاری مسکو در منطقه هموار می‌کند.

نتیجه‌گیری

سوریه یکی از مهم‌ترین حوزه‌های منافع روسیه در خاورمیانه شناخته می‌شود. اعتراضات سیاسی در دسامبر ۲۰۱۰ در تونس آغاز و پس‌از آن دامنه اعتراضات به کشورهای دیگری چون لیبی، مصر و یمن کشیده شد. موج اعتراضات سیاسی در سال ۲۰۱۱ به سوریه رسید و منجر به ناآرامی‌های شدید شد. مدت کوتاهی پس از شروع، این اعتراضات به درگیری مسلحانه میان جناح‌های مختلف با منافع سیاسی متفاوت تبدیل شد و حمایت قدرت‌های مختلف منطقه‌ای و جهانی بحران را پیچیده کرد. به گونه‌ای که دولت سوریه را تا آستانه سقوط پیش برد.

بحران سوریه به سبب ورود بازیگران متعدد منطقه‌ای چون ایران، ترکیه و عربستان و بازیگران فرامنطقه‌ای چون آمریکا و روسیه، تنها یک بحران داخلی نیست. در این بحران هر یک از این کشورها به دنبال منفعی هستند که می‌تواند در تضاد با منافع بازیگران دیگر باشد. ایران و روسیه به دنبال حفظ رژیم اسد بودند و در مقابل آن‌ها بازیگران ذکر شده دیگر به دنبال سقوط بشار بودند. در مجموع بحران داخلی سوریه با کمک‌های خارجی به بقای رژیم اسد کمک کرد. در این میان کمک‌های نظامی و غیرنظامی روسیه سرنوشت جنگ داخلی را به نفع بشار اسد تغییر داد.

ورود روسیه به بحران سوریه به عنوان متحد دیرین خود گویای این واقعیت است که از یک سو روسیه تلاش دارد تا جایگاه خود را در نظام بین‌المللی به عظمت دوران شوروی بازگرداند. از سوی دیگر این کشور متوجه تغییرات متعدد سیاسی و ژئوپلیتیکی در پیرامون خود از طریق انقلاب‌های رنگی یا توافق‌های کشورها با غرب در راستای گسترش روابط یا تمایل به پیوستن به ناتو شده بود؛ از این رو پشت تمام این تحولات، دسیسه غرب را می‌دید؛ بنابراین نمی‌توانست شاهد از دست از رفتن سوریه به عنوان متحد دیرینه خود باشد.

این مقاله انتخاب راهبرد قدرت هوشمند روسیه در برابر سوریه را با فرض تقابل با ایالات متحده در نظر گرفته است. بدون شک روسیه تلاش دارد تا از نفوذ آمریکا در جهان و به ویژه حوزه‌های نفوذ خود، بکاهد بنابراین راهبرد حفظ سوریه را به نحوی با قدرت هوشمند تنظیم کرد تا نه تنها بشار

اسد را در رأس قدرت حفظ کند بلکه زمینه‌های فرهنگی و ارزشی را که غرب به دنبال گسترش آن است، با نفوذ فرهنگی خود مهار سازد. در همین راستا به لحاظ فرهنگی روسیه تلاش کرد با سرمایه‌گذاری روی جوانان از طریق پذیرش و بورسیه، آن‌ها را از غرب‌گرایی دور سازد. افزون بر آن از طریق همکاری‌ها و تعامل فرهنگی، سعی کرد که زبان روسی را در مدارس سوریه بگنجانند. ایجاد تصویر مثبت از روسیه یکی از اهداف فرهنگی این کشور بود که در قالب مبارزه با تروریسم یا کمک‌های بشردوستانه صورت گرفت. روسیه مخالف گسترش ارزش‌های آمریکایی است که به عنوان ارزش‌های جهانی عرضه می‌شود. در واقع این ارزش‌ها طوری طراحی شده‌اند که به آمریکا امکان مداخله در امور سایر کشورها را می‌دهد. روسیه در درجه اول خود را مدافع ارزش عدم مداخله می‌داند. چرا که به نظر روسیه ارزش‌های آمریکایی نتوانسته‌اند صلح و ثبات را در کشورها به ارمغان آورند و اجازه نخواهد که همان تجربه در سوریه با امکان ایجاد آشفته‌نگی داخلی و خطر تجزیه‌طلبی تکرار شود. از سویی دیگر سیاست‌خارجی روسیه مخالف پیروی از سیاست‌های غرب بوده و آن را مانعی در مقابل سیاست خارجی فعال خود می‌داند. سیاست‌خارجی مسکو با فاصله گرفتن از سیاست غرب در قبال سوریه، به دنبال آن بود که بتواند نقش میانجیگری خود در صلح را تقویت کند و از همین رو نیازی به تبعیت از مدل غربی و ارزش‌های تعریف شده آن‌ها نمی‌دید.

در حوزه قدرت سخت و بعد نظامی، روسیه نه تنها با اعزام نیرو و انجام عملیات متعدد نظامی بلکه از طریق بستن قراردادهای بلندمدت، در صدد آن بود که سوریه را در مدار سیاست‌های روسیه نگه دارد. از سویی در بعد اقتصادی بحران سوریه زمینه نفوذ بیشتر روسیه در سوریه را فراهم ساخت و بسیاری از قراردادهای بلندمدت در حوزه‌های انرژی، گردشگری و صنایع امضا شد. روسیه از قدرت نرم و سخت خود در بحران سوریه به صورت هوشمندانه استفاده کرد به طوری که نه تنها در زمان بحران بلکه پس از آن نیز توانست حضور خود را در سوریه به شکل بلندمدت تقویت کند.

منابع

۱. احرامی، سجاد، توکلی طبسی، علی، جلالیان، عسگر (۱۴۰۰)، بحران سوریه، میانجی‌گری بین‌المللی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در حل آن، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال پانزده، شماره ۵۴، صص ۲۰۰-۱۸۱.

۲. پیری، نیکنام، ابراهیمی، شهروز (۱۴۰۱)، بحران سوریه و تأثیر آن بر منافع ملی و منطقه‌ای ترکیه، فصلنامه پژوهش‌های روابط‌المللی، دوره هشتم شماره دوم شماره بیست و هشتم تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۷۸-۱۴۹.
۳. جعفری فر، احسان، ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۴۰۰)، سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ از منظر قدرت هوشمند، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی چهل‌وهفت، صص ۲۷۱-۲۴۵.
۴. جعفری فر، احسان، ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۴۰۰)، سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند، فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴ - شماره پیاپی ۴۳ اسفند ۱۴۰۰ صفحه ۵۷-۸۵.
۵. حشمت زاده، محمداقبر، حمید فر، حمیدرضا؛ قائمی، سایر (۱۳۹۹)، راهبرد ایران و ترکیه در مدیریت بحران در منطقه غرب آسیا: مطالعه موردی بحران سوریه، دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۴ ف شماره ۸، صص ۴۹-۲۹.
۶. حیدر زاده، ظاهر، حاجی مینه، رحمت، شفیع، نوذر (۱۳۹۹)، تبیین روابط روسیه و ترکیه در بحران سوریه از چشم‌انداز رئالیسم مشروط، فصلنامه سیاست جهانی، دوره نهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۴، صص ۲۱۸-۱۸۹.
۷. شوری، محمود، بیژن، عارف، اعجازی، احسان (۱۴۰۰)، تأثیرهای امنیتی صادرات تسلیحات روسیه به دولت‌های منطقه غرب آسیا (مطالعه موردی ایران، مصر، عراق و سوریه)، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۴۶-۲۵.
۸. گل محمدی، ولی (۱۴۰۱)، بحران در روابط فرا آتلانتیکی و ظهور اورآسیاگرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره اول، صص ۲۸۸-۲۵۹.
۹. مرادیان، محسن (۱۳۹۴)، تقابل روسیه و ترکیه؛ آثار و پیامدهای آن، نشریه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۴۵، صص ۶۲-۵۵.
۱۰. مسعود نیا، حسین، فروغی، عاطفه، چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۱)، ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴، صص ۱۱۰-۸۳.
۱۱. منصور، جواد (۱۳۸۵)، استعمار فرانکو نظام سلطه در قرن بیست و یکم، نشر امیرکبیر.
۱۲. نای، جوزف (۱۳۸۷)، رهبری و قدرت هوشمند، نشر ابرار معاصر، چاپ اول.

۱۳. واعظی، محمود (۱۳۸۴)، مبانی نظری میانجیگری در مناقشات بین‌المللی، فصلنامه

تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۴۰-۱۵.

14. Aldassouky, A. (2017). Russia's Brittle Strategic Pillars in Syria: <https://deeply.thenewhumanitarian.org/syria/community/2017/12/15/russias-brittle-strategic-pillars-in-syria>.
15. Al-Fanar. (2019). Russia offers support to Syrian higher education: <https://www.universityworldnews.com/post.php?story=2019032214371263>.
16. Armyupress. (2020). A Logic All Its Own Russian Operational Art in the Syrian Campaign: <https://www.armyupress.army.mil/Journals/Military-Review/English-Edition-Archives/January-February-2020/Sinclair-Russia-Syria/>.
17. Averre, D., & Davies, L. (2015). Russia, humanitarian intervention and the Responsibility to Protect: the case of Syria. *International Affairs*, 91(4), 813-834.
18. Bagdonas, A. (2012). Russia's interests in the Syrian conflict: Power, prestige, and profit. *European Journal of Economic and Political Studies*, 5(2), 55-77
19. Borshchevskaya, A. (2022). Russia's Strategic Success in Syria and the Future of Moscow's Middle East Policy: <https://www.lawfareblog.com/russias-strategic-success-syria-and-future-moscows-middle-east-policy>.
20. Daher, J. (2020). The Political Economy of Syria: Deepening Pre-War Orientations: <https://www.arab-reform.net/publication/the-political-economy-of-syria-deepening-pre-war-orientations/>.
21. DenisVolkov. (2015). Do Russians Support Putin's War in Syria?: <https://carnegiemoscow.org/commentary/61583>.
22. Dieck, H. (2014). THE UNITED STATES AND THE SYRIAN CRISIS: THE INFLUENCE OF PUBLIC OPINION ON THE NON-INTERVENTION POLICY: <https://www.sciencespo.fr/cei/en/content/united-states-and-syrian-crisis-influence-public-opinion-non-intervention-policy>.
23. Dutta, A. (2018). The Concept of Soft Power: A Critical Analysis: https://www.ia-forum.org/Content/ViewInternal_Document.cfm?contenttype_id=5&ContentID=8393.
24. Edubirdie. (2022). Russia's Involvement in the War in Syria: <https://edubirdie.com/examples/russias-involvement-in-the-war-in-syria/>.

25. Fonte, I. F. (2022). Syria boosts Russian language teaching: <https://www.plenglish.com/news/2022/10/19/syria-boosts-russian-language-teaching/>.
26. GALEOTTI, M. (2017). NOT-SO-SOFT POWER: RUSSIA'S MILITARY POLICE IN SYRIA: <https://warontherocks.com/2017/10/not-so-soft-power-russias-military-police-in-syria/>.
27. Hamilton, R., Miller, C., & Stein, A. (2020). Russia's War in Syria: Assessing Russian Military Capabilities and Lessons Learned: <https://www.fpri.org/research/eurasia/russias-war-in-syria-assessing-russian-military-capabilities-and-lessons-learned/>.
28. Hedclub. (2019). russian language in syria and palestine: <https://hedclub.com/en/library/russian-language-in-syria-and-palestine>.
29. Helou, A. (2018). Russia and US engage in 'military base race' in Syria: <https://www.defensenews.com/global/mideast-africa/2018/01/15/russia-and-us-engage-in-military-base-race-in-syria/>.
30. Hussain, T. K. (2022). US MILITARY INTERVENTION IN SYRIA: A NEO-REALIST APPROACH TO THE POWER STRUGGLE BETWEEN US AND RUSSIA. *Journal of Contemporary Issues in Business and Government*, 28(4), 850-861
31. Kofman, m. (2018). THE AUGUST WAR, TEN YEARS ON: A RETROSPECTIVE ON THE RUSSO-GEORGIAN WAR: <https://warontherocks.com/2018/08/the-august-war-ten-years-on-a-retrospective-on-the-russo-georgian-war/>.
32. Kofman, M., & Rojansky, M. (2018). What Kind of Victory for Russia in Syria?: <https://www.armyupress.army.mil/Journals/Military-Review/Online-Exclusive/2018-OLE/Russia-in-Syria/>.
33. Kosachev, K. (2012). The Specifics of Russian Soft Power: <https://eng.globalaffairs.ru/articles/the-specifics-of-russian-soft-power/>.
34. Li, X. (2020). China's Pursuit of Soft Power: Norm Diffusion as a Soft Power Mechanism: <https://www.scirp.org/journal/paperinformation.aspx?paperid=101867>.
35. Nouredine, A. (2022). Russia's Incursion into Syria's Economy: A Multi-Purpose Monopoly: <https://fanack.com/economy/features-insights/russias-incursion-into-syrias-economy-a-multi-purpose-monopoly~242839/>.

36. Nye, J. (2017). Soft power: the origins and political progress of a concept: <https://www.nature.com/articles/palcomms20178>.
37. Robinson, J. (2021, jun 08). Five years of Russian aid in Syria proves Moscow is an unreliable partner: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/five-years-of-russian-aid-in-syria-proves-moscow-is-an-unreliable-partner/>
38. Ruslan-Trad. (2021). Russia's soft power strategy seeks to reshape Syria's future: <https://www.newarab.com/analysis/how-russias-softpower-strategy-seeks-reshape-syria>.
39. Sharnoff, M. (2023). How Big Is Russia's Win in Syria? https://www.asmeascholars.org/index.php?option=com_dailyplanet_blog&view=entry&year=2019&month=11&day=10&id=5:how-big-is-russia-s-win-in-syria.
40. STEIN, A. (2020). WHAT SYRIA OUGHT TO TEACH AMERICA ABOUT COMPETITION WITH RUSSIA: <https://warontherocks.com/2020/03/what-syria-ought-to-teach-america-about-competition-with-russia>.
41. Tradingeconomics (2023), Russia Exports to Syria, <https://tradingeconomics.com/russia/exports/syria>.
42. Ukdiss. (2022). Ideological Bias of Joseph Nye's Soft Power: A Critical Analysis of Soft Power Theory: <https://ukdiss.com/examples/critical-analysis-of-soft-power-theory.php>.
43. Wong-Diaz, F. R. (2013). Smart power and US national strategy. JSOU Press.